

زن صیغه ای پدرم از پدرم سرقت می کرد

7 خرداد 1403

زن میانسال که به بهانه پرستاری از پیرمردهای تنها و پولدار وارد خانه آنها می شد، با همدستی یک مرد و نقش بازی کردن خودش، نقشه سرقت‌هایش را اجرا می کرد.

ایران نوشت: چند روز قبل مرد جوانی به پلیس مراجعه کرد و از سرقت اموال و وسایل خانه پدری اش خبر داد و گفت: پدرم مدت‌هاست که به تنهایی زندگی می کند و من و برادر و خواهرم در خارج از کشور ساکن هستیم. برای اینکه پدرم تنها نباشد برایش پرستار خانگی گرفته بودیم؛ البته چندبار پرستارها را عوض کردیم تا اینکه مدتی قبل زن میانسالی که از شوهرش جدا شده بود و دو دختر داشت، پرستار پدرم شد. برای اینکه او بتواند راحت به پدرم رسیدگی کند، وی را به عقد موقت پدرم درآوردیم. اما وقتی بعد از مدتی به ایران برگشتم، متوجه شدم که دو سند از املاک پدرم، فرش ها و تابلوفرش های قیمتی و مجسمه های برنزی و نقره ای و وسایل باارزش دیگری از خانه سرقت شده است.

پدرم گفت که مردی ناشناس با ورود به خانه و بستن دست و پای او و همسر صیغه ای اش، اقدام به سرقت وسایل کرده و حتی خودروی 206 پرستار پدرم را هم که مهریه اش بود به سرقت برده است. او گفت که پرستارش شکایت کرده است و پرونده ای در این رابطه در اداره آگاهی تشکیل شده است اما موضوع عجیب این است که چند روز قبل اتفاقی خانم پرستار را سوار خودرواش دیدم و به نظرم این زن در ماجرای سرقت نقش داشته باشد. با شکایت مرد جوان، تحقیقات آغاز شد و به دستور بازپرس دادسرای ویژه سرقت، زن میانسال بازداشت شد.

وی در تحقیقات گفت: چند سال قبل به خاطر اختلافاتی که با همسرم داشتم از او جدا شدم. بعد از جدایی برای تأمین هزینه خودم و دو دخترم پرستاری می کردم تا اینکه درنهایت پرستار این پیرمرد شدم. بعد هم به عقد موقت او درآمدم و یک خودروی 206 هم مهریه ام شد. او ادامه داد: دختر 15 ساله ام اعتیاد به شیشه پیدا کرده و با کمک همسرم او را در کمپ بستری کردیم. از آنجا که دختر کوچکم خیلی از این ماجرا ناراحت بود، تصمیم گرفتم برای او یک پرنده عروس هلندی بخرم. در فضای مجازی با آگهی فروش عروس هلندی مواجه شدم و با شماره ای که داخل آگهی بود تماس گرفتم. عروس هلندی را خریدم و در این میان با فروشنده ای به نام شاهین آشنا و متوجه شدم که او هم مانند من پرستار خانگی است. یک روز که از سختی کار و نگهداری شوهرم برای شاهین گلایه می کردم، به من پیشنهاد داد می تواند در انجام کارهای شوهرم کمک کند. روز حادثه از شاهین خواستم به کمک بیاید، اما زمانی که او وارد خانه شد، با تهدید چاقو دست و پای من و همسرم را بست و از خانه سرقت کرد.

به دنبال اظهارات زن میانسال، دستور بازداشت شاهین صادر شد. شاهین در تحقیقات به سرقت اعتراف کرد اما مدعی شد که سرقت ها را به دستور زن میانسال مرتکب شده است. با اعتراف متهم، به دستور بازپرس دادسرای ویژه سرقت هر دو متهم در اختیار کارآگاهان اداره آگاهی قرار داده شده و

تحقیقات در این خصوص ادامه دارد.

گفت‌وگو با سارق همدست پرستار

چه شد دست به سرقت زدی؟

من سارق نیستم و اصلاً سابقه کیفری ندارم. وقتی با این زن آشنا شدم، او بعد از خرید پرنده هر روز به بهانه‌ای با من تماس می‌گرفت. یک روز به بهانه خرید قفس، یک روز برنامه غذایی پرنده و... خلاصه بهانه‌های او ادامه داشت تا اینکه ما با هم کم کم آشنا شدیم. هر دویمان پرستار خانگی بودیم اما بعد فهمیدم او شگردش همین است.

شگردش چه بود؟

پرستاری از مردان سالخورده و تنها و سرقت از آنها. چون هم پیر بودند و هم تنها نمی‌توانستند مقاومت یا شکایت کنند.

شما سرقت دیگری هم مرتکب شده‌ای؟

بله. از خانه قبلی که این خانم پرستار صاحبش بود. طبق قراری که گذاشته بودیم، او در را باز گذاشت و من هم وارد خانه شدم. با تهدید دست و پای او و پیرمرد صاحبخانه را بستم. بعد از سرقت خانه ویلایی آنجا را ترک کردم و او هم نقشش را خوب اجرا کرد و در مقابل چشمان پیرمرد صاحبخانه به سختی دست‌هایش را باز کرد و به پلیس زنگ زد. بدین ترتیب پلیس در چنین مواقعی وارد عمل می‌شد اما سرخی پیدا نمی‌کرد و از آنجایی که دست و پای این زن هم بسته شده بود، پلیس به او شک نمی‌کرد. پیرمرد هم کسی را نداشت که خیلی پیگیر ماجرا شود.

بعد چه اتفاقی افتاد؟

چند وقت بعد آن خانه را ترک می‌کرد و به سراغ طعمه دیگری رفت.

می‌دانی چطور لو رفتید؟

ماشین او را برگرداندم. می‌گفت کسی متوجه نمی‌شود که ماشین را به او برگردانده‌ام. دختر بزرگش اعتیاد به شیشه داشت و در کمپ بستری بود، برای دیدار با او نیاز به ماشین داشت.

و تا کی می‌خواستید به سرقت‌ها ادامه دهید؟

دقیقاً نمی‌دانم اما برنامه این زن ادامه دادن به سرقت‌ها بود تا پول خوبی از آنها به دست آوریم.